

دانشگاه تهران

دانشکده علوم اجتماعی

**فرهنگ اصطلاحات مرتبط با حریم خصوصی**

درس نظریه های انسان شناسی

دوره دکتری

استاد مربوطه:

دکتر فکوهی

دانشجو:

مهدیه محمدی

فهرست اصطلاحات:

**عمومی/خصوصی**

مفهوم عمومی و خصوصی در پایه­ای ترین صورت خود، نشان از آن دسته از روابط اجتماعی دارد که از دو قلمرو کاملا جدا و متمایز سخن می­گوید. قلمرو عمومی با فعالیت هایی که حضور در فضای بیرون از خانه برای آنها الزامیست، با انبوهی از افراد سرو کار دارد و عموما با پرداخت مالی همراه است شناخته می‌شود. این فضا تحت حمایت قوانین سیاسی و مدنی است که به واسطه‌ی دولت اجرا می­گردد. در مقابل فضای خصوصی با حضور آشنایان معدود (محارم)، کار بدون مزد و دیگر منابع اقتدار (پدرسالاری) اداره می­گردد.

بنابراین منظور از فضای خصوصی/ عمومی، نظم سلسله مراتبی است که بر اساس ورود و خروجهای متعدد شکل می­گیرد و به عنوان مهمترین نشانه­ی جداسازی، ساختار قدرت را تقویت می­کند. مفهوم فضا در اینجا بر ساختار و تولید پیچیده­ی محیط چه به صورت واقعی و چه به صورت خیالی دلالت می­کند که متاثر از فرایندهای سیاسی- اجتماعی، نرمهای فرهنگی و تنظیمات نهادی است که روشهای مختلف بودن (هویت)، تعلق و اسکان را سامان می­بخشد. همچنین میان فضا و روابط اجتماعی نوعی ارتباط دیالتیکی وجود دارد .

**حریم خصوصی:**

انسان شناسان و متخصصان علوم اجتماعی می گویند نیاز به حریم خصوصی،امری بسیار ریشه دار و فطری است که تنها به انسان محدود نمی شود بنا براین جدایی حوزه و حریم خصوصی از گستره عمومی به یک معنا، پیشینه ای به امتداد حیات انسانی دارد.تحقیقات و مطالعات مردم شناسی نشان می دهد در تمام جوامع،تمام زمان ها و دوره ها،حتی در جوامع ابتدایی،قواعد اجتماعی وجود داشته که ورود به اماکن خاصی را محدود می کرده و حضور در اماکن معینی را ممنوع می دانسته است(شهری باف،1378،277-276**).**  در عین حال مطالعه حریم خصوصی از زوایای حقوقی،فلسفی، دینی،اجتماعی و سیاسی و یا مذهبی و اخلاقی نتایج متفاوتی به دنبال دارد.

**تعریف «حریم خصوصی» در اصطلاح**

بحث از حریم، اولین‌بار در فقه‌ و سپس در کتابهای حقوقی مسلمانان مطرح شد.ازاین‌رو، ابتدا تعریف حریم از دیدگاه فقها را ذکر می‌کنیم.

3-1:مفهوم «حریم» در فقه:

حریم در فقه نیز به معنای منع است؛ یعنی چیزی که نزدیک‌شدن به آن برای غیر صاحبش ممنوع است (مجلسی، 1406ق، ج6: 241؛ صدر، 1417ق، ج5، ص99)**مو**ضوع حریم در فقه از دو جنبه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است؛ یکی جنبة اقتصادی و دیگری جنبة اخلاقی. جنبة اقتصادی به مال بر می‌گردد؛ اما جنبة اخلاقی مربوط به مال نیست؛ بلکه مربوط به مالک مال است و لذا حریم، به خود انسان نیز اضافه می‌شود. بر این اساس، فقها برای حریم، دو مصداق ذکر کرده‌اند؛ یکی در مورد اموال و دیگری در مورد انسان. آنان معمولاً مصداق اول را در باب «احیاء موات» و مصداق دوم را در ابواب «جهاد» و «حدود» مطرح کرده‌اند.

4-1:مفهوم خصوصی:

 خصوصی در لغت به معنای «مقابل عمومی»، «ویژه» و «اختصاصی» است. در زبان عربی برای حکایت از این معنا، واژه «الخاصة» به‌کار می‌رود که آن نیز به معنای «غیر عمومی» و «اختصاصی» است ( فراهیدی، 1414ق، ذیل مادة خصوصی؛ طریحی، 1414ق، ذیل مادة خصص)

: تعریف لغوی: با توجه به اینکه ترکیب حریم خصوصی اصطلاحی جدید است، در هیچ یک از کتابهای لغت عربی و فارسی معنایی برای آن ذکر نشده است؛. اما در بحث‌های تخصصی، در عربی واژة«الحیاة الخاصة (الخصوصیة)» و در فارسی «حریم خصوصی» و در انگلیسی «private domain» یا برای حکایت از آن به کار می **برد.«private right»**

تعریف اصطلاحی:هر چند اصطلاح حریم خصوصی در مباحث حقوقی و سیاسی ـ اجتماعی فراوان به‌کار رفته و تعریف نیز شده است، اما با همة تأکیداتی که بر آن می‌شود، هنوز اندیشمندان، تعریف روشن،واحد و جامعی از این اصطلاح ارائه نداده‌اند و حقوقدانان نیز تا به حال نتوانسته‌اند بر تعریف واحدی توافق نمایند و هر یک تعریفی نموده‌اند که هیچ‌یک از آنها نیز خالی از اشکال نیست (اسکندری، فصلنامه حکومت اسلامی شماره58**)**

مفهوم حریم خصوصی در چندین رشته ازجمله روان شناسی،جامعه شناسی،انسان شناسی،علوم سیاسی،حقوق،معماری و فلسفه به کار رفته و مطالعه شده است،دربرخی از این تعاریف حریم از حرمت گرفته شده و حرمت در لغت به معانی زیر است**:**

1-حرمت المنازل: یعنی پاس احترام منازل مسکونی مردمان داشتن و هتک حرمت منازل نکردن.

2-حرمت دم:یعنی ممنوع بودن تعرض به جان مردم.

3-حرمت مال: یعنی ممنوع بودن تعرض به مال مردم.

4-حرمت عین:یعنی حرمت زناشویی

حریم به معنای حرمت و ممنوع بودن است و تعرض دیگران به صاحب حریم ممنوع حرام بوده است و اگر تعرضی صورت گیرد،جرمی تحقق یافته است.

برخی از پژوهشگران تعاریفی از این مفهوم را در نظر گرفته اند که بر انزوا،کناره گیری و نداشتن تعامل تاکید می کند(آلتمن).گروه دیگری از تعاریف،کمتر به شخصیت کناره جو و بیشتر بر مفهوم «نظارت انتخابی بر روابط» تاکید می کنند،آلن وستین در کتابی با عنوان حریم خصوصی و آزادی پیشنهاد می کند حریم خصوصی،کنترل شخص بر توزیع اطلاعات مربوط به خود تعریف شود و لذا حریم خصوصی را به این صورت تعریف می کند:

حق افراد،گروه ها یا موسسات نسبت به اینکه برای خویشتن تعیین کنند گرچه زمانی ،چگونه و تا چه اندازه ای اطلاعات مربوط آنها به دیگران قابل مخابره باشد.( فصلنامه علمی ترویجی وسایل ارتباط جمعی. 48ص)

با همه این اوصاف،برخی با دو شیوه حریم خصوصی را تعریف می کند:

**5**-1: تعریف مفهومی یا تحلیلی:

 منظور از تحلیلی بیان عناصر ماهوی یک مفهوم است.در این روش ابتدا نام مجموعه بزرگ تری که آن چیز را در بر می گیرد،آورده می شود و سپس با ذکر یک ویژگی،آن را از باقی چیزها در همان مجموعه متمایز می سازد.تعریف به عام و خاص یا تعریف با روش تحلیل،بهترین و دقیق ترین روش تعریف است. با توجه به این روش تعریف و با در نظر گرفتن انتقادات وارده بر سایر تعاریف، به نظر می رسد تعریف زیر برای حریم خصوصی مناسب تر است: «اطلاعات،ارتباطات،فضاها و متعلقاتی که خواه از نظر فطری و خواه از نظر فرهنگی در وهله نخست به فرد معینی اختصاص دارد و پیش از این به طور علنی و عمومی منتشر نشده است**.(** محسنیان،1383/24-17)

6-1: تعریف مصداقی:

منظور از تعریف مصداقی،تعریفی است که در آن برای شناساندن امر مورد نظر،نمونه ها ومصادیقی از آن به مخاطب معرفی می شود. در این تعریف،علاوه بر نقاظ ضعف و انتقادات وارد شده بر این شیوه تعریف،نکته قابل توجه دیگر اختلاف نظر میان مکتب های مختلف در تشخیص مصداق های حریم خصوصی از حوزه عمومی است.در مجموع فارغ از این انتقادات،حریم خصوصی دارای مصادیق و افرادی است که از رویه قضایی به دست آمده اند و به شرح زیر است:

1-نام و سایر مشخصات شناسنامه ای

2-نشانی اعم از نشانی محل سکونت یا نشانی الکترونیک

3-تصویر یا حق تصویر

4-وضعیت سلامتی فرد(جسمی،روحی)

5-سطح تحصیلات فرد

6-واسبتگی صنفی و مذهبی

 7-عقاید و دیدگاه های سیاسی و اجتماعی

8-اوقات فراغت و چگونگی گذران آن

9- منابع و شیوه تامینی نیازهای مالی و معیشتی

10- روابط خانوادگی

 11- موقعیت خانوادگی

 12- روابط دوستانه

 13- زندگی عاطفی و احساسی

14- شیوه ادامه دادن تحصیل فرزندان

15- گذشته اشخاص به خصوص سوابق کیفری

16- شغل اشخاص

17-اعضای بدن،برخی نواحی واندام جنسی

18-تمایلات آرزوها

 19- محل سکونت افراد

20مکاتبات و مراودات مخابراتی،کتبی و امثال آن

21-خانواده فرد:تعرض به حریم خصوصی یک فرد،گاه به معنای تعرض به حریم خصوصی خانواده وی است و گاه نیز صرفا تعرضی به حریم خصوصی فرد به حساب می آید.

با توجه به اختلاف نظر هایی که پیرامون تعریف مفهوم و موضوع حریم خصوصی وجود دارد می توان به این نتیجه رسید که بحث از گستره حریم خصوصی یک بحث مفهومی و لفظی نیست و برای یافتن پاسخ به این پرسش که حریم خصوصی شامل چه چیزهایی می شود یا نمی شود.نمی توان از راه کند و کاو در مفهوم به پاسخ رسید بلکه در اینجا با یک بحث ماهوی رو به رو هستیم و هر گونه پاسخ نیازمند آن است که بر اساس مبنای خاص،شرایط خاص و تحولاتی که در مسیر حریم خصوصی بوده است، ملاک خصوصی بودن را مشخص کرده باشیم.

به همین منظور بهتر است به کندو وکاو پیرامون این مسئله بپردازیم که چه مواردی در این قلمرو قرار می گیرد و چه مولفه هایی در تغییر مرزهای حریم خصوصی موثر است.

انسان به عنوان انسان از یک سو استقلال فردی دارد و از یک سوی دیگر به اعتبار آنکه در جامعه و در ارتباط با دیگران زندگی می کند موجودی اجتماعی است.این طبیعت دوگانه انسان از یک طرف از هم جدا و از طرف دیگر چنان به هم آمیخته شده است که گریزی از جمع بین این دو ویژگی نیست و جامعه ناگذیر از پذیرش استقلال فردی وی و پایبندی به التزامات ناشی از استقلال فردی است. مفهوم و قلمرو حریم خصوصی را می توان با فرهنگ حاکم بر آن جامعه و نوع حکومت حاکم بر یک جامعه مرتبط دانست.از این نظر،برحسب اینکه فرهنگ حاکم بریک جامعه یک فرهنگ مذهبی یا غیر مذهبی و نظام حاکم بریک جامعه یک نظام سیاسی استبدادی و توتالیترو یا دموکراتیک باشد مفهوم و قلمرو حریم خصوصی می تواند موسع یا مضیق باشد (1384،119).

گذری به تعریف های شاخص هم بیاندازیم حاکی از این موارد است: آرتور میلر: تعریف حریم خصوصی دشوار است زیرا حریم خصوصی یک مفهوم بسیار مبهم و شکننده ای است.

ویلیام بی تی: حتی جدی ترین مدافعان حریم خصوصی باید اعتراف کنند که مشکلات جدی در تعریف ذات و قلمرو این حق وجود دارد.

تام گرتی:حریم خصوصی برای حقوق دانان بیش از هر چیز دیگری واجد یک ظرفیت متولن و متغییر است.

با این حال تعریف های مختلفی که درباره حریم خصوصی ارائه شده،ناظر به یکی از این وجوه است:

-حق تنها ماندن

-محدودیت در دسترسی به خود و توانایی ایجاد مانع در برابر دسترسی ناخواسته به انسان

-پنهان ماندن از دیگران و محرمانه نگاه داشتن برخی اموز از آنها

-کنترل بر اطلاعات شخصی

-حمایت از کرامت و شخصیت

-صمیمت و نزدیکی

در میان این وجوه شش گانه،دو وجه اخیر ناظر به غایت این حق است و چندان کلی است که در بسیاری از حقوق دیگرمی توان به عنوان غایت،از آنها نام برد. دو وجه قبل از ان هم دارای مضمون مشترکی هستند و تفاوات جوهری با هم ندارند،زیار پنهان داشتن برخی امور از دیگران شامل کنترل بر اطلاعات شخصی نیز می شود. درباره حق تنها ماندن یا دسترسی محدود به خود هم می توان گفت که با این تفسیر،حق خلوت به خلوت فیزیکی و اطلاعاتی محدود شده و شامل تعرض به حیثیت و آبروی اشخص نمی شود(سروش:12)

در نمونه های دیگر،تعریف های ارائه شده عبارتند از:

الف)حق اخفای امور خصوصی: وین فیلد یکی از قدیمی ترین مقالات را در این باره نوشته است، از این تفسیر استفاده کرده است و حریم خصوصی را به «محرمانه بودن خصوصیات شخص یا مال او از انظار عموم» معنی کرده است.وی اعتقاد دارد که شرایط جامعه در زمان حاضر چنین حقی را ایجاب کرده است لذا از مجلس اعیات می خواهد که حق اخفای امور خصوصی را به همان اندازه مانند اعتبار و حیثیت به عنوان منفعتی در حوزه حمایت به رسمیت بشناسد.

ب)حق تمتع از زندگی خصوصی: به معنی حق زندگی در خانه خود بدون نگاه های مزاحم دیگران حق بودن در یک اتاق خواب یا اتاق خصوصی بی آنکه شخص مزاحمی بتواند وارد ان شود این تفسیر از سوی برخی حقوق دانان امریکایی مطرح شده است.

ج)حق برخورداری از یک پناهگاه: هلن نیس بام،حق خلوت را متضمن را یک پناهگاه امن می داند و آن را اینگونه توضیح می دهد:حق خلوت آدمیان متضمن یک پناهگاه امن یا منطقه حفاظت شده برای آدمیان است که مردم در آن می توانند از بازرسی دقیق و موشکافانه و احتمالا نکوهش درباره امور شخصی خود رها و آزاد باشند.شرایط ویژه زندگی خود را مشخصا کنترل نموده و روش بروز خود در اجتماع را شخصا هدایت کنند و آنگونه می خواهند عیان شوند و با اطرافیان خود ارتباط ازاد با حدود خود خواسته برقرار نمایند.

در برابر این گونه تعریف ها حقوق دانانی نیز هستند که تمایلی برای ارائه تعریف نداشته و یا آن را غیر ممکن می دانند.

**انواع حریم خصوصی:**

در یک تقسیم بندی ساده حقوقی-اجتماعی می توان 5مصداق را برای حریم خصوصی برشمرد که حریم خصوصی جسمانی،حریم خصوصی اماکن و اشیا،حریم خصوصی ارتباطات،حریم خصوصی اطلاعات و حریم خصوصی جنسی از جمله آنهاست**.**

بهتر است اقسام حريم خصوصي را به همان حريم خصوصي اطلاعات، ارتباطات، منازل و اماكن و اشياء و حريم خصوصي جسماني و جنسي محدود كرد.

البته بايد به‌اين نكته ظريف نيز دقت كرد كه يك بررسي دقيق نشان خواهد داد كه يك معنا كليه حقوق بشر ابعادي از حق بر حريم خصوصي‌اند به گونه‌اي كه به عنوان مثال عدم مداخله در حريم خصوصي افراد زمينه حفظ كرامت و شخصيت وي را فراهم خواهد آورد و يا آزادي عقيده و مذهب ممنوعيت مداخله در اطلاعات شخصي افراد از جمله تعلقات مذهبي و فرقه‌اي وي از حمايت بيشتري برخوردار خواهد شد.[[1]](#footnote-1)

تعريف وبيان مصاديق هريك از اقسام ياد شده براي حريم خصوصي، به صورت منفصل و در حيطه موضوع تحقيق پيش رو در بخش بعدي خواهد آمد. اما به طور خلاصه و در تعيين محدوده هريك از موارد ياد شده مي‌توان چنين گفت: «حريم خصوصي اطلاعات در يك تعريف برقراري قواعدي را كه جمع‌آوري و اداره‌ اطلاعات، حساب و سابقه پزشكي را هدايت مي‌كند،‌ در بر مي‌گيرد».

اطلاعات شخصي طبق تعريفي كه بند4 ماده 2 لايحه حمايت از حريم خصوصي ارائه داده عبارتست اطلاعات وابسته به شخصيت افراد نظير وضعيت زندگي خانوادگي، عادت‌هاي فردي، ناراحتي‌هاي جسمي‌و شماره كارت‌هاي اعتباري و شماره حساب‌هاي بانكي. تبصره ‌اين بند اطلاعات مربوط به نام و نام‌خانوادگي،‌ نشاني محل سكونت و محل كار و شماره‌هاي تلفن را از شمول تعريف اطلاعات شخصي خارج نموده است. همچنين بند 5 همين ماده در بيان مصاديق اطلاعات شخصي حساس، از اطلاعات راجع به وضعيت زندگي جنسي، اعتقادات (اعم از فلسفي، مذهبي، سياسي) عضويت در احزاب يا تشكل‌هاي صنفي‌ و وضعيت نژادي، قبيله‌اي افراد نام مي‌برد. دسترسي به‌اين اطلاعات،‌ افشاء و سوءاستفاده از آنها بر خلاف قانون، از موارد نقض حريم خصوصي شمرده خواهد شد.

حريم خصوصي جسماني مربوط مي‌شود به حمايت از حريم فيزيكي افراد در برابر اعمال تجاوزگرانه نظير آزمايش مواد مخدر و تفتيش منافذ بدن.

سومين مورد، حريم خصوصي ارتباطات است كه امنيت وحريم خصوصي نامه، مكالمات تلفني و ساير اشكال ارتباطات را در بر مي‌گيرد. طبق بند 7 ماده 2 لايحه حمايت از حريم خصوصي، ارتباطات اعم‌اند از ارتباطات كلامي- حضوري، مكتوب، داده، متن، تصوير، صدا، علائم ونشانه‌ها و يا در يك شكل‌تركيبي از آنها انجام مي‌گيرد.

چهارمين بخش مربوط به حريم خصوصي محيط پيرامونكه به بررسي حريم خصوصي در اماكن خصوصي و منازل افراد يعني مكان‌هايي كه درآنها تصور حريم خصوصي ممكن است مي‌پردازد، است كه در نتيجه مكان‌هاي عمومي مشمول چنين حمايتي نخواهد بود. اماكن خصوصي طبق بند 2 ماده 2 لايحه حمايت از حريم خصوصي، اماكن متعلق به شخص يا اشخاص خصوصي يا در تصرف آنهاست كه ورود ديگران به آنها يا عر فا مجاز نيست يا مالك يا متصرف قانوني به نحو مشخصي در چهار چوب قانون، ورود ديگران به آن اماكن را ممنوع اعلام كرده است؛ مانند بخش‌هاي مشترك مجتمع‌هاي آپارتماني. منزل نيز به هر آنچه عرفا اطلاق منزل گردد گفته مي‌شود.

بخش آخر حريم خصوصي، مربوط به حريم خصوصي جنسي است. اين حريم، بخشي از روابط خصوصي زناشويي در محيط خانوادگي است که ورود به آن تنها در اختيار زن و شوهر بوده و هيچ كس از غير اين‌دو، حتي ساير اعضاي خانواده، حق ورود به چنين حريمي‌را ندارند.

**حریم عمومی:**

 این حریم به حوزه عمومی مربوط است و با قرارداد اجتماعی به وجود می‌آید. این حریم با گذر از حریم خصوصی پدیدار می‌شود و به نحوی عمومی شده است. بخش‌هایی از حریم خصوصی به مثابه قرارداد اجتماعی است. پیدایش حوزه عمومی موجب تفکیک این حوزه از حوزه خصوصی شده است (هابرماس). حوزة عمومي، حوزه‌اي است كه در آن امري مخفي و غيرقابل دسترس صاحبان آن نيست و تدبير و سامان و تصميم‌گيري در مورد آن نيز حق همة شهروندان است. حوزة عمومي‌منطقة اقتدار دولت است، اين حوزه ملك مشاع همة شهروندان است

: تاثیرگذاری حیطه خصوصی و عمومی بر یکدیگر**:**

آیا شخصی ترین امور مانند عقیده بیشترین سهم را در حیات اجتماعی ندارد؟ و آیا به دلیل درهم تنیدگی مسائل فردی و اجتماعی،خصوصی و عمومی چنان نیست که بسیاری از رفتارهای انسانی را در یکی از این دو بخش نمی توان جا داد/چرا که به گونه ای در هر دو قلمرو قرار دارند مثلا داشتن فرزند امری کاملا خصوصی برای پدر و مادر است ولی به دلیل دخالت آن در بحران جمعیتی دارای وجهه اجتماعی است. مرزبندی میان خانه و بیرون خانه یک مرزبندی واقعی و یا فیزیکی نیست بلکه بیشتر جنبه تحلیلی دارد(سروش:561393)

گذار به مفهوم دیگری از عمومی و خصوصی: در آغاز دوگانگی این دو حوزه بر مبنای فعالیت یا اختیار حکومت بود و آنچه خارج از آن قرار داشت،خصوصی نامیده می شد. از این رو خصوصی هم حوزه مسائل شخصی و هم روابط شخصی و هم حوزه فعالیت های اقتصادی را شامل می شد با این تمایز عمومی و خصوصی با حکومت و جامعه مدنی که در قرن هجدهم و نوزدهم مطرح شد ،تداخل پیدا می کرد.زیرا جامعه مدنی،حوزه ای مرکب از افراد معمولی و سازمان های تعریف شده قانونی بود که متمایز از حکومت اداره و تنظیم می شود.با افزایش نقش حکومت ها در تنظیم و تعدیل فعالیت های اقتصادی،حوزه خصوصی به شدت لرزان شد.پس از آن این دوگانگی قلمرو دیگری پیدا کرد، حوزه ای که قابل رویت و مشاهده بود و در برابر دیگران واقع می شود،عمومی نام می گیرد و حوزه ای که غیر قابل رویت بوده و مخفیانه اتفاق می افتد،خصوصی است.در این تقلی رویت پذیری بودن ملاک عمومی بودن است.از سویی،رویت پذیری اکنون دستخوش تغییر و تحول شده است و مرزبندی عمومی و خصوصی را به هم ریخته است.در گذشته برای عمومی شدن یک موضوع اجتماع و حضور عده ای از مردم در یک مکان لازم بود تا از طریق دیدن واقعه و حس کردن آن،امکان فراگیر شدن آن وجود داشته باشد ولی با پیدایش رسانه های ارتباطی و از زمانی که چاپ ظهور کرد شکل جدیدی از عمومیت متولد شد و سپس با ورود رسانه های الکترونیکی به طور کلی مرزهای میان زندگی عمومی و خصوصی دچار تغییر شد و عمومیتی غیروابسته به مکان و بی نیاز از آن خود را نشان داد**.**

چاندوک در جامعه مدنی و دولت در صفحه 176 می گوید: جامعه مدنی یک حوزه خصوصی دانسته شده است که افراد منافع خصوصی خود را دنبال می کنند بر خلاف دولت که در ذات خود عمومی شمرده می شود ولی در تلقی دیگر خانواده امر خصوصی و جامعه مدنی عمومی است خانواده به دلیل انکه دسترسی به فضای فیزیکی و عاطفی آن محدود است و اطلاعات درباره آن نیز به همان اندازه محدود است،خصوصی است.در حالی که جامعه مدنی حوزه کنش متقابل معقولانه بوده و چون دسترس پذیر است،عمومی است.

ولی در نظریه لیبرال جامعه مدنی،حوزه فرد دارای حق است و از جمله این حقوق یکی حق«خصوصی بودن» است یعنی حق دخالت غیر. پس دولت عمومی است و جامعه مدنی که خانواده را نیز در برمی گیرد،خصوصی است.

حریم خصوصی و علوم اجتماعی:

حریم خصوصی افراد و ایجاد امنیت برای آن و مانع شدن از تعرض و دخالت دیگران در این حریم،از مطالعات بنیادی و اصلی اساسی است که حکومت اسلامی موظف به پاسداری از آن می باشد. از سویی تحقق ارزش های دینی و انقلابی و مقابله با اشخاص و گروه های هنجار شکن نیز نیازمند نظارتی فراگیر از دولت و ملت است. در رابطه با ارتباط علوم اجتماعی و حریم خصوصی این پرسش مطرح است که آیا می توان محدوده هر یک از حریم خصوصی و نظارت اجتماعی را شناخت؟ در مقام تزاحم این دو کدام را باید مقدم دانست؟ در صورت تزاحم در هر طرف ملاک وجود مصلحت و منفعت بیشر باشد،مقدم خواهد بود.

گرایش های جامعه گرایانه نیز یکی از عوامل پناه آوردن انسان مدرن به حریم خصوصی است.این گرایش ها بازتابی از بدبینی انسان معاصر به دنیای سیاست و تنفر وی از این عالم است.افرادی که دچار این بدبینی و تنفر می شوند به زندگی خصوصی خود برمی گردند وبا بیهوده دانستن کنش های عمومی و فعالیت های سیاسی،فضیلت را در انزوا و گوشه گیری می بینند ( سروش:9)

در دوران هلنیستی،شهر دولت های به نسبت همگون،به افول گرایید فلسفه هایی نزدیک به فردگرایی لیبرال با تاکید بر بیهودگی و پستی سیاست،و فضیلت های گوشه گیری وو تزکیه نفس پدیدار شدنداحساسی که اودن را در این عبارت بیان کرده:

چهره های خصوصی در اماکن عمومی خردمندانه تر و زیباتر از چهره های عمومی در اماکن خصوصی است. امروز هم لیبرال ها معتقدند که بیشتر مردم نمی خواهند در سیاست مشارکت جویند، آنها به طور طبیعی زندگی خصوصی را ترجیح می دهند.

لیبرال ها مردم را به بی تعهدی نسبت به حوزه عمومی دعوت نمی کنند و مشارکت در زندگی عمومی را مذمت نمی نمایند. ولی به هر حال وقتی قدر و ارزش زندگی خصوصی را بالا می برند،قهرا اعتبار زندگی عمومی را کاهش می دهند .(همان)

**نسبیت در حریم خصوصی:**

حریم خصوصی یکی از حقوق معرفی شده که دارای ویژگی نسبیت است.نسبیت را برخی اینگونه تفسیر کرده اند: نظام های حقوقی مختلف هر کدام بر جنبه های خاصی از این حق تاکید کرده اند و قلمرو آن در هر فرهنگ ،نظام اجتماعی یا هر موقعیت متفاوت است.از میان واقعیت مادی و شرایط نسبتا پایدار اجتماعی که تاثیر زیادی بر موازین حریم خصوصی دارند می تواند به مواردی همچون تراکم جمعیت ،درجه تعامل افراد،الگوهای منزل،تقسیم کار،ماهیت خانواده و دیگر روابط اجتماعی اشاره کرد.برای مثال جوامع شهری در مقایسه با جوامع روستایی و افرادعادی در مقایسه با سیاستمداران،قلمرو حریم خصوصی وسیع تری دارند. حریم خصوصی چون تحت تاثیر عوامل مختلف اجتماعی و فرهنگی است،لذا ممکن است آنچه در جامعه ای در قلمرو حریم خصوصی است در جامعه دیگری خارج از آن باشد( همان:27)بنا براین مرزهای حری خصوصی در جوامع مختلف سیال و بی ثبات است.با این حال در همه جوامع اعتقاد به خصوصی بودن برخی امور و حوزه ها وجود دارد که شاید این مسئله برگرفته از فطری بودن نیاز انسان به حریم خصوصی باشد**.**

**حریم خصوصی و سیاست:**

لیبرالیستها معتقدنداز ویژگی های یک جامعه لیبرال این است که شهروندانش این امکان را دارند که زندگی خویش را بر اساس ارمانهایی که خود برای خیر و سعادت شخصی خویش تعریف می کنند سامان دهندکشورهايي را که در آن همه چيز سياسي مي شود جوامع تماميت خواه يا توتاليتر مي گويند. يکي از ويژگي هاي جوامع تماميت خواه اين است که عرصه سياست و عرصه قدرت رسمي را به تمام عرصه ها حتي حيات خصوصي افراد تسري مي دهند. آن وقت فرد، ديگر در حريم خصوصي اش هم ايمن نيست. حتي بر اين پندار است که مبادا در اتاقش شنود يا دوربين فيلمبرداري گذاشته باشند يا حتي همسر او مامور اطلاعاتي باشد. اين زندگي، زندگي سرشار از ذهنيت امنيتي است و معمولاً در خصوص اين جوامع مي گويند همه چيز سياسي است به جز سياست. بنابراين بايد مراقب بود که کشور به اين سمت حرکت نکند.(عماد افروغ؛مقاله حریم خصوصی شهروند عادی و غیر عادی ندارد).

در سنت لیبرال، قلمرو خصوصی، حوزه ی زندگی شخصی فرد است و درآن، دو نظر در باب تمایز عمومی- خصوصی وجود دارد: نخست، تمایز دولت-جامعه ی مدنی؛ و دوم، تمایز اجتماعی- شخصی )بشیریه، 1380 : 12 - 15 )

در سنت کلاسیک، این تمایز میان خانه که قلمرو شخصی است و شهر که قلمرو امر عمومی است، بوده و امر عمومی با امر سیاسی یکی گرفته می شود؛ منظور از سیاست در سنت کلاسیک، گفت وگو، مباحثه، اندیشه، تصمیم گیری جمعی و کنش گروهی است.به این ترتیب، در تفسیر قلمرو خصوصی و عمومی که محتوای آن امرخصوصی و امر عمومی است، دو نظر مطرح شده است: برخی معتقدند که حوزه ی عمومی شامل قلمرو اجتماعی دولتی و غیر دولتی است.در مقابل آن قلمرو روابط شخصی و فردی یا همان روابط خانوادگی و دوستانه قرار دارد که عده ای از آن به قلمرو «عمومی- خصوصی » یاد کرده اند.اما برخی دیگر به شناسایی این دو قلمرو اکتفا نکرده و بر اساس ملاک دخالت دولت، سه قلمروی عمومی غیر دولتی حوزه ی شهروندی یا جامعه ی مدنی؛ خصوصی محض و عمومیِ دولتی را مورد شناسایی قرار می دهند و عرصه ی عمومی دولتی و غیردولتی را قلمرو « عمومی- عمومی » می دانند.

مساله حريم خصوصي سياستمداران يک مساله بسيار ظريف و حساس است و اگر مورد دقت قرار نگيرد کسي ريسک حضور در عرصه سياست را نخواهد کرد و به گونه يي خودش را دور از فعاليت هاي سياسي قرار خواهد داد. البته اين به آن معنا نيست که ما از امتيازات و برخورداري هاي فرد قبل از ورود به عرصه سياست مطلع نشويم بلکه مي تواند قانوني وجود داشته باشد.

.با توجه به اینکه نظام سیاسی حاکم بر جامعه ایران پس از سال 57مبتنی بر اسلام است سعی شده است که طبق موازین اسلامی به مفهوم حریم خصوصی دیده شود با این حال با مطرح شدن مباحثی از جمله دولت الکترونیک و استفاده از فناوری های جدیدی اطلاعاتی نگاه دولتها و سیاست مداران گاهی به این مفهم تغییراتی داشته است و باید متناسب با مطرح شدن مباحث جدید، نگاه به حریم خصوصی بررسی شود.

ارائه خدمات الکتروینک و انجام کارکرد های مختلف منجر به این شده است که دولتها برای انجام کارهای خود به جمع آوری و استفاده طیف وسیعی از اطلاعات شخصی بپردازند و برای ارائه چنین خدماتی دولت ناگزیر از داشتن اطلاعات شهروندان خواهد بودوبا حرکت به سمت مدیریت اطلاعات الکترونیک و رشد جامعه اطلاعاتی،جمع آوری ذخیره و پردازش داده ها و اطلاعات از سوی نهادهای دولتی رشد کرده است. این شبکه وسیع اطلاعاتی که در اختیار دولت قرار دارد،ممکن است به جای شفافیت اقدامات دولت،منجر به شفافیت بیشتر اطلاعات شهروندان شود.بنا به گفته برخی از محققان، دولت همیشه بزگترین تهدید برای آزادی شهروندان بوده است.در میان حقوق و آزادی های مدنی،شاید بیراه نباشد اگر بگوییم حریم خصوصی بیش از هر آزادی دیگری برای شهروندان نگرانی و مشکل ایجاد کرده است.به نظر می رسد درک سنتی از حریم که بر اساس اصل محرمانگی است دیگر نمی تواند نگرانی ها و دغدغه های ناشی از حریم را در دنیای اطلاعات نمایندگی کند.دیگر نمی توان روی تعاریف سابق از مفاهیمی که ما با آنها سر و کار داریم،حساب کرد.بلکه نیاز مند بازتعریف بسیاری از مفاهیم از جمله حریم خصوصی هستیم چرا که حریم خصوصی چالش مهمی در مقابل دولت الکترونیک است.الکترونیکی شدن دولت،دگرگونی و تحول در الگوی حریم خصوصی را ایجاد کرده است(زارع،دولت الکترونیک:3)

 **حریم خصوصی و فضای مجازی:**

یکی از مهم ترین و البته پر چالش ترین مصادیق امروزی حریم خصوصی که هم بیشترین توجه و تاکید بر روی حفظ ان و هم بیشترین نقض توسط آن را شاهد هستیم،موضوع حریم خصوصی در فضای مجازی است.

همه شبکه های اجتماعی مجازی در قسمت تنظیمات خود عنوان حریم خصوصی را دارند از فیس بوک گرفته تا تلگرام،وایبر،لاین و غیره..... توجهی که به حریم خصوصی در این فضا و از سوی سازندگان آنها شده است .

ورود به حریم خصوصی دیگران،در دنیای مدرن،جنبه اقتصادی نیز دارد و به دلیل سودآوری،برای سوداگران،جاذبه زیادی دارد.در گذشته خرید و فروش اطلاعات از موارد نادر جاسوسی و از حوزه های امنیتی فراتر نمی رفت. ولی امروزه زمینه های فراوانی برای سوءاستفاده مالی از اطلاعات خصوصی مربوط به افراد وجود دارد.به طوری که بسیاری از موتورهای جستجوگر معروف و پرمخاطب همگی با نقض حریم خصوصی اقدام به جاسوسی از اطلاعات شخصی از افراد می کنند.نقض حریم خصوصی توسط دسترسی به اطلاعات شخصی تنها توسط نهادهای خاص انجام نمی شود بلکه امروز هر فردی هم توانایی نقض حریم خصوصی خود و هم دیگران را از طریق فضای مجازی و به واسطه آن را دارد،به عنوان مثال در آذر ماه سال 85 فیلمی غیر اخلاقی منتسب به یکی از هنرپیشه های زن پخش شد که طبق گفته فرمانده نیروی انتظامی گردش مالی قریب به چهار میلیارد تومانی برای توزیع کنندگان آن در پی داشت.

با این حال با گشت و گذاری در فضای مجازی به وضوح می توان دید که نقض حریم خصوصی تنها به دلایل اقتصادی انجام نمی شود و تنها درصد کمی از نقض حریم خصصی ریشه در منفعت مالی از سوی افراد خاص دارد. نکته قابل توجه و البته بسیار مهم در خصوص نقض حریم خصوصی در فضای مجازی این است که امروزه بسیاری از افراد با آگاهی و بعضا بدون آگاهی اقدام به نقض حریم خصوصی خود و سپس دیگران می کنند. امروزه بسیاری از پیام ها،عکس ها و ویدئوهای ارسالی در فضای مجازی رنگ و بوی جنسی به خود دارند و بسیاری از مردم خواهان این مسائل بوده و شبکه ها و کانال های مجازی که منتشر کننده این مطالب هستند را به خوبی دنبال می کنند**.**

**حريم خصوصي منزل و خلوت افراد**

مهمترين عرصه‌اي که پيش از تحولات صنعتي و ظهور فناوري‌هاي نوين، خصوصي تلقي مي‌شد، منزل يا محل سکونت افراد بود. اکنون نيز حريم منزل از مهمترين مقوله‌هاي حريم خصوصي است. منظور از «منزل» هر مکاني است که شخص آن را به عنوان محل خلوت و استراحت و انجام امور شخصي و خانوادگي خود انتخاب کرده است و اين انتخاب او با قوانين مغاير نيست. بر اين اساس، انواع خانه‌ها، چادرهاي مسکوني، بخش‌هاي مسکوني کشتي‌ها، اتاق‌هاي اختصاصي هتل‌ها، مهمانسراها، خوابگاه‌ها و اتاق‌هاي استراحت بيمارستان‌ها از مصاديق منزل به شمار مي‌روند.

**منع بازرسي**

بارزترين مصداق اماكن خصوصي كه همواره از حمايت ويژه‌اي برخوردار بوده و هست، منزل و محل سكونت است. هر محل مسكوني يا مهيا براي سكونت را منزل مي‌گويند، اعم از اينكه سكونت فرد در آن محل دائمي باشد يا موقت. هيچ‌كس نمي‌تواند انتظار وجود حريم خصوصي در محيط منزل را انكار كند. اين همان «انتظار معقول و متعارف از حريم خصوصي»[[2]](#footnote-2) است كه در حقوق آمريكا در احراز وجود حريم خصوصي، نقش كليدي دارد. در صورت مصون نبودن خانه افراد از تعرض و تعدي، جان، مال، زندگي و اطلاعات خصوصي از مصونيت برخوردار نخواهد بود. اصل مصونيت مسكن، منزل يا اقامتگاه اشخاص از تعرض، در قانون اساسي مورد تائيد و حمايت قرار گرفته است. به موجب اصل بيست و دوم:

«حيثت، جان، مال، حقوق، مسكن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردي كه قانون تجويز كند.»

حمايت از حريم خصوصي منزل و در واقع صيانت از حريم خصوصي اطلاعاتي افراد و به تبع آن، مصونيت خانه از هرگونه تجسس و نظارت را ايجاب مي‌كند. اعم از اينكه مداخلات در حريم منزل از جانب دولت و كارگزاران آن صورت گيرد و يا از جانب افراد غيرحكومتي.

ماده 16 لايحه حمايت از حريم خصوصي در اين زمينه مقرر مي‌دارد:

«منازل و اماكن خصوصي مصون از تعرضند. هيچ‌كس نمي‌تواند وارد منزل يا مكان خصوصي ديگري شود يا هرنوع وسيله پايش در آنجا قرار دهد مگر با رضايت متصرف قانوني يا مجوز قضايي.»

«قابليت تعقيب كيفري ورود به خلوت ديگران ضرورتا نبايد با كسب اطلاعات شخص همراه باشد. حتي شنود و مشاهده افراد در وضعيتي كه نسبت به آن انتظارات معقول و متعارف از حريم خصوصي دارند، حتي در صورت عدم جمع‌آوري هيچ‌گونه اطلاعات حساس توسط شنودكننده، قابل شكايت است.( فريد محسني، ، ص 457)

در خصوص مسئوليت ورود به حريم خصوصي مكاني و منازل افراد بسته به اينكه ورود كننده فرد حكومتي يا غيرحكومتي باشد، متفاوت است كه در بحث ذيل مورد بررسي قرار مي‌گيرد.

 **منع ورود**

«اصل احترام به مسكن كه از اصل احترام به آزادي‌هاي اشخاص ناشي شده، سه عنصر اصلي دارد كه عبارتند از: اختيار انتخاب اقامتگاه، استفاده آزاد از اقامتگاه انتخابي، مصونيت اقامتگاه و مسكن از هر نوع ورود و تعرض. يكي از مهمترين آثار اصل فوق اصل ممنوعيت و حتي جرم تلقي‌كردن ورود غيرمجاز به منزل اشخاص است. موارد ورود مجاز بسيار محدود و استثنايي است و صريحا طبق قوانين مشخص مي‌شود. اهتمام قانون‌گذار به حرمت منزل قطعا به اعتبار ظرف بودن و به دليل موقعيت فيزيكي آن نيست بلكه به اعتبار ملك و مالك آن يعني شخص است. در اين صورت نقش متعلقات شخص يعني اطلاعات و مطالبي كه در محل منزل كشف مي‌گردد و عرفاً اشخاص تمايلي به افشاء آن ندارند مشخص مي‌شود. لذا در حمايت از آن بايد بين جرائم عليه حريم خصوصي منزل و ساير اموال و املاك كه فاقد اين وصف هستند، تفاوت قائل شد. در واقع منزل با اطلاعات مرتبط با شخص عجين و آغشته است و لذا نقض حريم آن در حقيقت دستيابي به اطلاعات خصوصي و نتيجه نقض شخصيت فرد مي‌باشد (همان)

لايحه حمايت از حريم خصوصي در بند 3 از ماده 2 در تعريف منزل و مصاديق آن مقرر مي‌دارد:

«3. منزل: انواع خانه‌ها، چادرهاي مسكوني، داخل وسائل نقليه مسقف، بخش‌هاي مسكوني كشتي‌ها، اتاق‌هاي استراحت هتل‌ها، مهمان‌سراها، خوابگاه‌هاي دانشجويي، بيمارستان‌ها و ديگر تاسيسات مشابه و يا اماكن مشابه و يا اماكني كه عرفا به آن منزل اطلاق مي‌شود، داخل در اين تعريف مي‌باشند.

تبصره: بخش‌هاي مشترك مجتمع‌هاي آپارتماني، هتل‌ها، بيمارستان‌ها و اماكني كه داراي بخش اشتراكي هستند از شمول تعريف منزل خارج‌اند.»

در حقوق اسلام، از حريم منزل بسيار دفاع شده است و در قرآن كريم به ضرورت رعايت حريم خانه غير، به طور كامل تصريح و حتي شيوه ورود نيز اشاره شده است. (سوره نور آيات 27-29) (ناصر مكارم شيرازي، تفسير نمونه، جلد چهارم، چ 12، دارالكتب اسلاميه، قم، 1372، ص 426 )

تقسيم‌بندي قواعد حمايت از حريم اماكن خصوصي و منزل در سيستم حقوقي ايران با توجه به اينكه نقض‌كننده حريم مذكور فرد غيرحكومتي باشد يا حكومتي متفاوت است.

**ورود افراد غيرحكومتي:**

ماده 694 قانون مجازات اسلامي به ورود به حريم منازل پرداخته و مقرر مي‌دارد:

«هركس در منزل يا مسكن ديگري به عنف يا تهديد وارد شود، به مجازات از شش ماه تا 3 سال حبس محكوم خواهد شد و در صورتي كه مرتكبين دو نفر يا بيشتر بوده و لااقل يكي از آنها حامل سلاح باشد، به حبس از يك‌سال تا شش‌سال محكوم مي‌شوند.»

در مواردي كه كسي در غياب صاحب‌خانه وارد منزل ديگري شود، با توجه به اينكه ورود به منازل ديگران مستلزم كسب اجازه ورود مي‌باشد، در صورت نداشتن اذن ورود از مصاديق عنف قلمداد شده و عمل مرتكب مشمول ماده فوق‌الذكر مي‌باشد. ( - نظريه شماره 402/7- 12/3/1381 اداره‌كل حقوقي قوه قضائيه

ماده 691 درباره حريم اماكن مقرر مي‌دارد:

«هركس به قهر و غلبه داخل ملكي شود كه در تصرف ديگري است، اعم از آنكه محصور باشد يا نباشد يا در ابتداي ورود به قهر و غلبه نبوده ولي بعد از اخطار متصرف، به قهر و غلبه مانده باشد، علاوه بر رفع تجاوز حسب مورد به يك تا شش ماه حبس محكم مي‌شود. هرگاه مرتكبين دو نفر يا بيشتر بوده و لااقل يكي از آنها حامل سلاح باشد به حبس از يك تا سه سال محكوم خواهند شد. »

با مطالعه مواد قانوني فوق مي‌توان نتيجه گرفت كه قانون‌گذار ايراني در باب حمايت از حريم خصوصي اماكن و به ويژه منازل در مقابل در تعدي و تعرض افراد غيرحكومتي به اشكال غيرفيزيكي و بدون قهر و غلبه توجهي نداشته و فقط ورود همراه با عنف و فيزيكي را جرم‌انگاري نموده است.

لايحه حمايت از حريم خصوصي نيز كه از مواد 16 تا 22 را به حريم خصوصي اماكن و منازل اختصاص داده، فقط به چگونگي ورود ماموران دولتي پرداخته و در خصوص ورود افراد عادي و غيرحكومتي مقرراتي ندارد.

 **ورود ماموران حكومتي**

در مورد ماموران حكومتي به منازل، شرايط ورود در جرائم مشهود و غيرمشهود متفاوت است.

نكته قابل ذكر در اينجا وظيفه‌اي است كه به موجب قانون براي مقامات و اشخاص رسمي صرف‌نظر از نوع جرم يا مكاني كه به آن وارد مي‌شوند، مقرر شده است. براساس ماده 29 قانون آئين دادرسي كيفري:

«مقامات و اشخاص رسمي موظف‌اند به هنگام برخورد با امر جزايي در حوزه كاري خود مراتب را به رئيس حوزه قضايي (دادستان) يا معاون وي اطلاع دهند.»

بنابراين ارائه گزارش در مورد جرائمي كه مامورين حين انجام وظيفه با آنها مواجه مي‌شوند يك تكليف قانوني است حتي اگر ناقض حريم خصوصي اشخاص باشد.

منابع:

انصاری،باقر(1386 )،حقوق حریم خصوصی،انتشارات سمت

مارکوزه،هربرت(1964 ) انسان تک ساحتی، تهران،ترجمه» محسن مویدی، انتشارات: پایا(1359)

رحمدل،منصور( 1384) ،مجله حقوق و علوم سیاسی دانشکده حقوق دانشگاه تهران، شماره7، رمستان 84

مصطفی اسکندری/ عضو هیأت علمی پژوهشگاه اندیشة سیاسی اسلامی، فصلنامه حکومت اسلامی شماره58)

اصلانی،حمیدرضا( 1389) حقوق فناوری اطلاعات، تهران: انتشارات میزان

سروش،محمد( 1393)، مبانی حریم خصوصی بر اساس آموزه های اسلامی، تهران:انتشارات سمت

-شهری باف؛جعفر(1367).تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم:زندگی کسب و کار،جلد6.تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا

 باقر انصاري ، «حريم خصوصي وحمايت ازآن در حقوق اسلام ، تطبيقي وايران»،.مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی/شماره پیاپی 520، زمستان 1383

مکارم شیرازی، ناصر(1372)، تفسیر نمونه، جلد چهارم،چ12، دارالکتب اسلامیه

1. -Rhona K. M Smith,Christien Van den Anker, The Essential of Human Rights, Odder Arnold Publication, Great Britain, 2005, p.289. [↑](#footnote-ref-1)
2. [↑](#footnote-ref-2)